

## آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰

فرشید فرهادی<sup>۱\*</sup>

محمد رضا هدایتی<sup>۲</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

خاورمیانه با آشوب روبه‌روست. این آشوبناکی، خاورمیانه را با تراکم فزاینده بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌رو کرده است. این بحران‌ها، چالش‌های متعدد ژئوپلیتیکی را علیه همگرایی و در نتیجه کاهش اقتدار کشورهای منطقه سبب شده است. موضوعی که ضرورت و اهمیت ارائه تصویری از آینده این چالش‌ها را برای مقابله با پیامدهای احتمالی ناشی از آنها برجسته کرده است. بنابه این ضرورت اساسی، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش محوری است که آینده محتمل نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ چگونه خواهد بود؟ این پژوهش که بنا به ماهیت خود اکتشافی است در راستای پاسخ به این پرسش با رویکردی آینده‌پژوهانه و تکنیک‌های آن مانند سناریونویسی فرآیندی ۷ مرحله‌ای را اتخاذ کرده است. این روش، با بهره‌گیری از نظرات نخبگانی در راستای روایی بیشتر سناریوها و شناسایی آینده‌های محتمل، دارای مزیت‌های برجسته‌ای است. مهمترین یافته پژوهش که بیشترین تطابق و سازگاری را نیز با واقعیت نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ دارد، افزایش مداخله قدرت‌های جهانی و همین‌طور افزایش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه است.

### واژه‌های کلیدی:

آینده پژوهی، سناریونویسی، تحلیل ساختاری، خاورمیانه.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری مطالعات خاورمیانه دانشگاه جامع امام حسین(ع)

<sup>۲</sup>. استادیار مطالعات بین الملل دانشگاه جامع امام حسین(ع)

## مقدمه

منطقه خاورمیانه بیش از هر منطقه‌ای در چند دهه گذشته در شرایط بی‌ثباتی، ناامنی، بحران و تعارض قرار داشته است. عواملی از قبیل تروریسم، ایدئولوژی‌های بنیادگرایی و تکفیری، گسترش فقر و شکاف طبقاتی، هویت‌های متکثر قومی و تنش‌های ناشی از آن، افزایش دولت‌های بی‌سامان سیاسی مانند یمن، سوریه و عراق، تکرر بازیگران آشوب‌ساز (دهشیری و شاه‌مرادی، ۱۳۹۹) قدرت‌محوری، لایه‌بندی نامتوازن قدرت در میان کشورهای خاورمیانه، اتحاد و ائتلاف با قدرت‌های برون منطقه‌ای، تنوع الگوی رفتاری کشورها از رقابت و همکاری تا تعارض، فراوانی تعارضات، فراوانی مداخلات خارجی، عدم مدیریت ورودی‌های خارجی، آسیب‌پذیری مرزها، ضعف پیوندهای استراتژیک در میان کشورهای منطقه، تنوع نقاط هدف استراتژیک، تنوع تهدیدات هم از نظر موضوعی و هم از نظر مکانی، ضعف انسجام داخلی و آسیب‌پذیری سیستم‌های سیاسی، فراوانی انشقاق درونی اعم از قومی و گروهی، فراوانی پایگاه‌سازی نظامی از سوی قدرت‌های خارجی، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک، و ژئوکالچر برجسته در سیاست جهانی، حضور قدرت مداخله‌گر جهانی در تحولات کشورهای منطقه و هسته‌ای بودن رژیم‌صهیونیستی از مهمترین عوامل ایجاد چالش‌های امنیتی گسترده، متراکم و فزاینده در نظم منطقه‌ای خاورمیانه هستند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۹۶). به تعبیری روشن‌تر، جنگ‌های منطقه‌ای، تعارضات مستمر و تکرار شونده و بحران‌های مداوم سبب شده است همواره در چند دهه گذشته آشوبناکی شاخص پایدار نظم منطقه‌ای خاورمیانه باشد. شرایطی که خاورمیانه را به یکی از بحرانی‌ترین و ناامن‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده است. این بحران‌ها از یک سو چالش‌های متعدد امنیتی را علیه بقا و موجودیت واحدهای منطقه‌ای در خاورمیانه ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر، آشوبناکی حاصل از این شرایط از مهمترین عوامل شکننده بودن پایه‌های نظم منطقه‌ای خاورمیانه است. نظمی که دستوری و تصنعی از سوی قدرت‌های جهانی در عصر استعمار و حتی بعد از آن بدون توجه به شرایط خاص خاورمیانه به این منطقه تحمیل شده است. به همین دلیل نیز همواره با بحران و آشوب روبه‌رو بوده است. به طور کلی، روند تحولات موجود در خاورمیانه حکایت از قریب‌الوقوع بودن فروپاشی نظم کنونی در آینده و شکل‌گیری ساخت نوینی از نظم منطقه‌ای است. مطرح شدن ایده‌ها و طرح‌هایی مانند «خاورمیانه بزرگ»، «معامله قرن» و «صلح عربی‌عبری» و رخداد تحولاتی مانند «بیداری اسلامی» و رادیکالیسم اسلامی در قالب تروریسم گروه‌های تکفیری همه حکایت از آگاهی بازیگران داخلی و خارجی از متزلزل بودن نظم کنونی در خاورمیانه و تلاش آنها برای ساخت

نظمی نوین در منطقه است. پرسش پژوهش نیز در همین راستا طرح می‌شود، اینکه با توجه به آنچه گفته شد، آینده‌محتمل نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ چگونه خواهد بود؟

## مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش

### نظم منطقه‌ای

نظم در کلیت آن موضوع اصلی علم روابط بین‌الملل است. نظم زمانی است که الگوی رفتاری واحدها بر پایه یک ساختار مشخص و معین ساماندهی می‌شود. به همین دلیل نیز در چنین شرایطی الگوی رفتاری واحدها از حداقلی از ثبات و متعاقب آن پیش‌بینی‌پذیری برخوردار می‌شود. چرا که وجود قواعد، ساختارها و روندهای مشخص رفتاری در قالب نظم سبب می‌شود تا واحدها الگوی رفتاری نسبتاً مشخص و معینی را از خود بروز دهند.

نظم جهانی بعد از پایان عصر استعمار با گسست روبه‌رو شد. با استقلال واحدهای منطقه‌ای از بند استعمار بعد از پایان جنگ جهانی دوم خرده‌نظم‌های جدیدی در مناطق مختلف شکل گرفت. با این اوصاف، منطقه عنصر بنیادین در شکل‌گیری نظم‌های منطقه‌ای است. جغرافیا و محدوده سرزمینی به عنوان یکی از اجزاء منطقه بستری است که سازه نظم بر آن سوار می‌شود. درست به همین دلیل نیز با وجود ارائه تعاریف متعدد از منظر چارچوب‌های تئوریک مختلف، منطقه و سازه سرزمینی جزء ثابت و لاینفک هرگونه تعریف از نظم منطقه‌ای است. پس، سازه نظم بر کلیتی سرزمینی قرار دارد که دارای عناصری به قرار زیر است:

- واحدها؛
- مجاورت و نزدیکی جغرافیایی؛
- خودآگاهی واحدها از اینکه آنها یک منطقه را تشکیل داده و ادراکات و برداشت‌های دیگران نیز دال بر قرارگیری آنها در یک منطقه معین است؛
- میزانی از خودمختاری و استقلال از نظم جهانی؛
- تعامل و وابستگی متقابل بین واحدها (لیک و مورگان، ۱۳۹۵: ۴۹)؛

ویلیام تامپسون علاوه بر عناصر بالا بر نقش عامل خارجی نیز در شکل‌گیری نظم‌های منطقه‌ای تأکید می‌کند. از نظر تامپسون نظام مجموعه‌ای از کشورها است که حداقل از یک عنصر خارجی تأثیر پذیرفته باشد. زمانی که یک عامل خارجی موجب تهدیدی بالفعل یا بالقوه بر علیه افراد یا دولت‌ها شود، در این صورت یک نظام یا مجتمعی منطقه‌ای ایجاد می‌شود (مورگان و لیک، ۱۳۹۵: ۷۹-۸۰). این عامل خارجی قدرت مداخله‌گر فرمانطقه‌ای است. مداخله قدرت‌های بزرگ در سایر مناطق در چند دهه گذشته از مهمترین عنصر شکل دهنده به نظم منطقه‌ای بوده است.

خاورمیانه از جمله مناطقی است که همواره با مداخله خارجی از ناحیه قدرت‌های فرامنطقه‌ای روبه‌رو بوده است. ساخت نظم منطقه‌ای در خاورمیانه بیش از هر چیزی تحت تأثیر مداخله قدرت‌های خارجی بوده است.

نظم منطقه‌ای از منظر گاهی واقع‌گرایانه و بر پایه دینامیک قدرت مفهوم سازی و تعریف می‌شود. در چارچوب ژئوپلیتیک که درون پارادایم واقع‌گرایی قرار دارد، نظم‌های منطقه‌ای از تقاطع سه متغیر جغرافیا، سیاست و قدرت شکل می‌گیرند. جغرافیا و مجاورت جغرافیایی اولین عنصر شکل‌گیری یک نظم منطقه‌ای است. گروهی از واحدها که در یک منطقه سرزمینی معین هستند که ابتدا خود به این موضوع واقفند و از سوی دیگر برداشت‌ها و ادراکات دیگران نیز از آنها دال بر قرار گرفتن آنها در یک منطقه جغرافیایی معین است. جغرافیا از این منظر که برخی برجستگی‌های جغرافیایی و تلاش واحدها برای تسلط بر آنها زمینه را برای رقابت و تضاد آنان فراهم می‌کند نیز در ساخت نظم منطقه‌ای تأثیرگذار است. در سیاست، سیستم‌های سیاسی ملی و ماهیت تعامل منافع آنها مطرح است. سرانجام، باید از توزیع قدرت سخن گفت که بنابه تعبیر «کنت والتز» مهمترین متغیر در شکل‌دهی به ساخت نظم منطقه‌ای است. این توزیع توانمندی‌ها در میان واحدها است که نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به نظم دارد. به همین دلیل اگر توزیع قدرت به نحوی باشد که یک واحد از قدرت فائقه برخوردار باشد، نظم هژمونیک و اگر توزیع قدرت میان دو بازیگر یا چند بازیگر باشد نظم ساختی دو یا چند قطبی پیدا می‌کند. پس، آنچه اهمیت دارد توزیع قدرت است که تغییر در آن به معنای تغییر در ساختار سیستم است.

در رهیافت هژمونیک نظم منطقه‌ای وابسته به اراده قدرت برتر نظام جهانی است. نظم منطقه‌ای ابزاری است که به واسطه آن قدرت هژمون به مدیریت نظام جهانی مبادرت می‌ورزد. به تعبیر روشن‌تر هژمون جهانی به منظور مدیریت بهینه نظام آن را به چندین نظام تقسیم نموده و از این طریق نظم مورد نظر خود را با هزینه کمتر به وجود می‌آورد. در این حالت هرکدام از مناطق دارای سازوکارهای بومی حفظ نظم خود می‌باشند، اما تمامی آنها تحت نظارت عالی هژمون و در راستای نظم مورد نظر آن عمل می‌کنند. علاوه بر این گاهی اوقات نظم منطقه‌ای از طریق سیاست هم‌نوایی برخی واحدها با هژمون شکل می‌گیرد. گاهی نیز سیاست مقابله‌ای برخی واحدها با هژمون علت شکل‌گیری نظم منطقه‌ای است. سرانجام، هژمون گاهی اوقات از طریق سیاست همکاری شکل دهنده نظم منطقه‌ای است. هژمون به دلیل بهره‌مندی از ثبات احتمالی، گسترش ایده‌ها، بهره‌برداری از امتیازات ناشی از گستره جغرافیایی، چنین سیاستی را در پیش می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۴). در رویکرد دیگری منبعت از واقع‌گرایی، استفن والت در کتاب

ریشه‌های اتحاد، نظم منطقه‌ای را بر حسب شکل‌گیری اتحادها در نظر می‌گیرد. از نظر والت نظم منطقه‌ای برآیند توازن تهدید در میان واحدهای منطقه‌ای است.

### پیشینه‌های پژوهش

پیشتر در زمینه نظم منطقه‌ای خاورمیانه آثار و ادبیات مختلفی نگارش شده است. کمپ و ساندرز (۱۳۸۴)، مهمترین شاخص‌های نظم منطقه‌ای در خاورمیانه را تروریسم، تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه و افزایش مداخله قدرت‌های جهانی می‌دانند. از نظر قاسمی (۱۳۹۰)، مداخله قدرت‌های جهانی از عوامل مهم بی‌ثباتی و آشوب منطقه‌ای در خاورمیانه است. کوردزمن (۲۰۱۷)، تأکید زیادی بر اختلافات مذهبی به عنوان مهمترین عامل تنش و تضاد در میان کشورهای خاورمیانه دارد. برنسون (۲۰۰۳)، اختلافات مذهبی، قومی، مرزی و حضور قدرت‌های بیگانه را از مهمترین شاخص‌های نظم منطقه‌ای در خاورمیانه بر می‌شمارد. امینیان (۱۳۸۴)، معتقد است آمریکا برای تثبیت هژمونی خود و تکمیل فرآیند کنترل بر منابع، کنترل بر بازیگران و کنترل بر روندها و حوادث جهانی، نیاز به تغییرات جدی در شرایط بازیگران و فرآیندهای منطقه خاورمیانه دارد. این مهم دولت‌های خاورمیانه را با چالش امنیتی روبه‌رو خواهد کرد. ایوب (۱۳۹۴)، رقابت‌های جهانی و منطقه‌ای را عامل مهمی در شکل‌دهی به ساختار نظم منطقه‌ای در خاورمیانه می‌داند. کمپ (۱۳۸۴) در اثر دیگری، موضوع انرژی را موضوع مهمی در تحولات مربوط به نظم منطقه‌ای خاورمیانه می‌داند. دهقانی فیروزآبادی و حمدی لفورکی (۱۳۹۷)، به این موضوع اشاره دارند که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و بیداری اسلامی، نظم امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه در سطح درونی در پنج بُعد ساختاری، کارگزاری، هنجاری، الگوهای تعامل و ماهیت تهدیدات، دستخوش تغییر و تحول شده است. به لحاظ ساختاری، سطح و توزیع قدرت در بین واحدها متحول و دگرگون شده است. به گونه‌ای که تعادل و توازن قوای پیشین به هم خورده و موازنه قوای دیگری در حال شکل‌گیری است. از منظر کارگزاری نیز، بازیگران نقش‌آفرین منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دو سطح دولتی و غیردولتی تغییر و تحول یافته‌اند. ظهور گروه‌های تروریستی و دولت‌های ضعیف در این میان مشهودتر است. در پی تغییر و تحول هنجارها و قواعد رفتاری حاکم بر منطقه، ساختار غیرمادی و انگاره‌ای آن نیز متحول شده است. برآیند این تحولات سه‌گانه، تغییر الگوهای تعامل در سطح منطقه بوده است. به گونه‌ای که دو الگوی تعامل متعارض ستیزش و همکاری در دو اردوگاه رقیب در خاورمیانه شکل گرفته است. سرانجام، تهدیدات امنیتی در درون منطقه خاورمیانه نیز دستخوش تغییر و تحول ماهوی و شکلی شده است. تهدیدات ناشی از تروریسم تکفیری در رأس این تهدیدات تحول‌یافته قرار دارد. ترابی و طاهری زاده (۱۳۹۸)، با تمرکز بر تحولات ناشی از تمایلات گریز از مرکز برخی گروه‌های قومی در

خاورمیانه مانند کردها عقیده دارند که نظم منطقه‌ای خاورمیانه در آستانه یک دوره انتقالی قرار دارد. آنها بر این اساس پیش‌بینی می‌کنند در سالیان آینده شاهد منطقه‌ای متفاوت با شاخص‌هایی نظیر رشد ملی‌گرایی، تجزیه‌طلبی، شکل‌گیری کشورهای جدید و جدال آنها با بازیگران مسلط، تداوم رقابت ایدئولوژیک قدرت‌های منطقه‌ای و احتمال تسری بحران به آنها خواهیم بود. آثار بررسی شده به بررسی جنبه‌های مختلف نظم منطقه‌ای خاورمیانه پرداخته‌اند. اما پژوهش‌های بررسی شده اکثراً معطوف به آینده نیستند. حتی اندک آثاری نیز که رویکردی آینده‌پژوهانه به تحولات خاورمیانه دارند با تقلیل‌گرایی روبه‌رو می‌باشند. تقلیل ساخت آینده نظم در خاورمیانه صرفاً به تحولات ناشی از گروه‌های قومی خاص مانند کردها ساده انگاشتن پدیده مذکور است.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر اکتشافی و فاقد فرضیه است. داده‌های پژوهش آمیخته، و به لحاظ تجزیه و تحلیل داده‌ها در ردیف پژوهش‌های همبستگی قرار دارد. گردآوری اطلاعات به روش اسنادی شامل رجوع به منابع کتابخانه‌ای، کتب، مجلات، مقالات، روزنامه‌ها، اسناد و مدارک و شیوه میدانی در قالب مصاحبه تلفنی با کارشناسان است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز رجوع به پایگاه داده‌ها، پرسشنامه، ضبط صوت و سایت‌های اینترنتی است. برای ترسیم سناریوهای پژوهش بر پایه روش تحلیل ساختاری، هفت گام در این پژوهش در نظر گرفته شده است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### گام اول: انتخاب دقیق موضوع

در این مرحله چارچوب کلی پژوهش تعریف و معین می‌شود. اینکه موضوع پژوهش چیست؟ چه اهدافی دارد؟ و اینکه در نهایت متمرکز بر کدام بازه زمانی و مکانی است؟ فلسفه این پژوهش در پاسخ به این پرسش است که آینده‌محتمل نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ چگونه خواهد بود؟ پژوهش از نظر مکانی متمرکز بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه است. از نظر زمانی نیز پژوهش متمرکز بر بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۳۰ میلادی است. این مسئله با توجه به پیچیدگی و آشوبناکی نظم منطقه‌ای در خاورمیانه از اهمیت اساسی برخوردار است. چرا که کاستن از غبار ابهام ناشی از این آشوبناکی می‌تواند چراغ راهنمای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر محیطی خاورمیانه باشد.

**گام دوم: تعیین نیروهای پیشران**

در این گام، نیروهای کلیدی که تصمیمات و موضوع را تحت تأثیر قرار می‌دهند، باید شناسایی شوند. این عوامل نیروهای عمده شکل دهنده آینده موضوع پژوهش هستند. براین اساس، متغیرهای مؤثر بر آینده‌نظم منطقه‌ای خاورمیانه شناسایی می‌شوند. منابع دستیابی به این متغیرها عبارتند از:

- رجوع به متون، منابع، اسناد و تجارب مرتبط با موضوع پژوهش؛
- مصاحبه با متخصصان، کارشناسان و خبرگان حوزه مسائل خاورمیانه؛

براساس نظرات جامعه نخبگانی پژوهش در قالب مصاحبه باز گروهی و فردی نیروهای پیشران مؤثر بر آینده‌نظم منطقه‌ای خاورمیانه در قالب جدول ۱ شناسایی شدند.

**جدول (۱) متغیرهای تأثیرگذار بر آینده‌نظم منطقه‌ای خاورمیانه و حالات متناظر هر کدام از آنها**

ردیف	پیشران
۱	مداخله قدرت‌های جهانی
۲	تضادهای درون منطقه‌ای
۳	قومیت
۴	تروریسم
۵	اختلافات مرزی

پیشران‌های شناسایی شده در قالب پرسشنامه به قضاوت خبرگان گذاشته شد. مبنای قضاوت خبرگان مورد نظر بر پایه این پرسش بود:

(۱) با توجه به تجارب شخصی، همچنین مطالعات خود در حوزه خاورمیانه، آیا هر کدام از این متغیرها بر آینده‌نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ تأثیرگذار است؟  
 (۲) در صورت تأثیر گذاری، میزان اهمیت هر یک از این متغیرها در ساخت آینده‌نظم منطقه‌ای خاورمیانه را به چه میزان می‌دانید؟

**تعیین روایی پرسشنامه:** جهت بررسی روایی، پرسشنامه در اختیار ۸ نفر از خبرگان حوزه مطالعات خاورمیانه قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا نظرات خود را در خصوص پرسشنامه و خصوصیات ظاهری و محتوایی آن بیان نمایند. پس از انجام سه مرحله اصلاح اقدام به تدوین و طراحی ابزار مورد نظر شد.

**پایایی پرسشنامه:** جهت دستیابی به این مقوله به کمک نرم‌افزار SPSS اقدام به محاسبه آلفای کرونباخ برای اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه استفاده گردید. ضریب پایایی به‌دست‌آمده طبق جدول ذیل برابر ۰/۹ می‌باشد که در حد عالی ارزیابی می‌شود.

**تحلیل نتایج پرسشنامه**

پس از پرسش نخستین، ۵ متغیر بر طبق جدول ۱ شناسایی شد. این متغیرها بر پایه میزان اثرگذاری بر ساخت آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ در قالب پرسشنامه به قضاوت جامعه آماری ۱۴ نفره نخبگان پژوهش قرار گرفت. نتایج حاصل از نظرات نخبگان در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول (۲) نتایج پرسشنامه

ردیف	پیشران	درصد فراوانی پاسخ «بله» به اثرگذاری	ضریب لاوشه	میانگین هندسی اهمیت
۱	مداخله قدرت‌های جهانی	۱۰۰	۱	۴/۷۵
۲	تضادهای درون منطقه‌ای	۹۲/۸۵	۰/۸۵	۴/۲۸
۳	قومیت	۶۴/۲۸	۰/۵۷	۳/۸۵
۴	تروریسم	۷۸/۵۷	۰/۷۱	۳/۷۱
۵	اختلافات مرزی	۵۷/۱۴	۰/۵۷	۳/۶۵

همان‌گونه که در جدول ۲ قابل ملاحظه است، روایی متغیرهای شناسایی شده مورد تایید خبرگان قرار گرفت و بنابراین در این پژوهش به عنوان پیشران‌های موثر بر آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ مشخص شدند.

#### گام سوم: تعیین حالات متناظر پیشران‌ها و ترسیم و تکمیل ماتریس تحلیل ساختاری

در این گام حالات کیفی ممکن برای هریک از پیشران‌ها مشخص شده و ماتریس متناظر با آن ترسیم می‌شود.

براساس مرور ادبیات مرتبط با نظم منطقه‌ای خاورمیانه و نیز رجوع به نظرات خبرگی در ارتباط با شناسایی نیروهای پیشران مؤثر و حالات متناظر برای هریک از آنها، برای ۵ پیشران احصا شده مجموعاً ۱۰ حالت (جدول ۳) تعیین گردید. ماتریس حاصل از این پیشران‌ها و حالات متناظر آنها در ادامه ترسیم خواهد شد. ماتریس ترسیمی عبارت است از یک ماتریس مربعی  $۱۰ \times ۱۰$  حاوی ۵ پیشران تعیین کننده آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه و ۱۰ حالت متناظر آنها. این ماتریس حاوی ۱۰۰ آرایه است که با کسر کردن عناصر قطری تعداد روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری به دست می‌آید. در این ماتریس ۸۰ رابطه تأثیرگذاری - تأثیرپذیری داریم. چرا که ۲۰ خانه (خانه‌های رنگ شده) رابطه هر متغیر و حالات متناظر آن با خود در سطر و ستون است که



در نظر گرفته نمی‌شود. سطرها و ستون‌های این ماتریس شامل پیشران‌های استحصال شده از گام دوم و حالات متناظر با آنها از گام سوم است.

برای تکمیل ماتریس تحلیل ساختاری پژوهش بار دیگر به نظرات جامعه آماری نخبگان پژوهش برمی‌گردیم. براین اساس، به وسیله مرور ادبیات، احصا نظرات خبرگی و دیگر روش‌های تحقیق، و بر پایه مقیاسی از ۱ تا ۵ مشخص می‌کنیم که حالت الف از پیشران یک چه تأثیری بر حالت الف از پیشران شماره دو دارد.

لازم به ذکر است که در این گام، صرفاً تأثیرات مستقیم حائز اهمیت بوده و تأثیرات غیر مستقیم توسط الگوریتم پیش‌بینی شده به صورت خودکار محاسبه می‌شود. پس، به منظور پر کردن آرایه‌های ماتریس از اولین حالت اولین پیشران شروع کرده و میزان تأثیر آن را بر حالات سایر پیشران‌ها محاسبه می‌کنیم. به عنوان مثال:

(۱) افزایش مداخله قدرت‌های جهانی چه تأثیری بر همکاری و همگرایی واحدهای منطقه‌ای در خاورمیانه دارد؟

(۲) افزایش مداخله قدرت‌های جهانی چه تأثیری بر تضاد و تنازع واحدهای منطقه‌ای در خاورمیانه دارد؟

برای کامل شدن ماتریس تحلیل ساختاری در سطر و ستون چنین فرایندی را برای چهار پیشران دیگر و حالات متناظر آنها نیز انجام می‌دهیم. برآیند نهایی مطرح شدن ۸۰ پرسش مربوط به دامنه رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پیشران‌ها و حالات متناظر آنها و کامل شدن ماتریس تحلیل ساختاری پیشران‌های پژوهش طبق جدول ۳ است.

جدول (۳) تکمیل کردن ماتریس تحلیل ساختاری پیشران‌ها و حالات متناظر آنها

اخلاقات	مرزی	تروریسم		قومیت		دولت‌های منطقه		مداخله قدرت‌های جهانی	
		فعالیت محدود و پراکنده	ناپودی	گسترش هویت خواهی، قومی	افزایش انسجام ملی	تضاد و تنازع	همکاری و همگرایی	کاهش مداخله	افزایش مداخله
مسکوت ماندن	حل و فصل	۳/۲۸	۳/۸۲	۴/۳۸	۳/۲۵	۴/۷۵	۳/۶۵	افزایش مداخله	مداخله قدرت‌های جهانی
۲/۶۷	۲/۴۵	۱/۵۹	۲/۱۵	۲/۴۷	۳/۸۹	۲/۷۸	۲/۶۸	کاهش مداخله	

۲/۸۸	۲/۵۷	۲/۱۹	۳/۱۵	۱/۱۱	۱/۲۶			۳/۲۵	۲/۸۵	همکاری و همگرایی	دولت‌های منطقه
۲/۳۷	۲/۳۲	۳/۱۸	۲/۲۲	۴/۲۱	۲/۶۹			۲/۸۹	۴/۸۷	تضاد و تنازع	
۳/۵۸	۳/۶۱	۲/۳۹	۲/۲۱			۲/۱۱	۳/۷۸	۳/۸۸	۲/۷۱	افزایش انسجام ملی	قومیت
۱/۵۷	۱/۴۸	۱/۹۸	۲/۴۱			۴/۷۱	۱/۵۲	۲/۲۷	۴/۱۹	گسترش هویت خواهی قومی	
۱/۶۳	۱/۲۸			۱/۸۱	۲/۱۴	۳/۲۸	۲/۶۱	۲/۷۰	۳/۴۸	نابودی	تروریسم
۱/۵۰	۱/۴۹			۱/۶۷	۱/۹۱	۳/۱۸	۲/۲۵	۳/۶۵	۳/۲۷	فعالیت محدود و پراکنده	
		۱/۱۲	۱/۲۴	۱/۷۱	۲/۹۵	۲/۷۹	۴/۱۷	۳/۶۹	۳/۲۱	حل و فصل	اختلافات مرزی
		۱/۲۷	۱/۱۶	۲/۱۳	۱/۶۰	۲/۷۳	۲/۸۹	۲/۷۶	۳/۶۱	مسکوت ماندن	

جدول (۴) خروجی نهایی ماتریس براساس نظرات خبرگی

ردیف	پیشران	حالات متناظر	سطر (تأثیرگذاری)	ستون (تأثیرپذیری)
۱	قومیت	افزایش انسجام ملی	۱۹/۶۹	۲۴/۲۷
		گسترش هویت خواهی قومی	۱۹/۴۹	۲۰/۱۳
۲	اختلافات مرزی	حل و فصل	۱۹/۱۱	۲۰/۸۸
		مسکوت ماندن	۱۹/۰۹	۱۸/۱۵
۳	تروریسم	نابودی	۱۸/۳۶	۱۸/۹۳
		فعالیت محدود و پراکنده	۱۷	۱۸/۹۲
۴	مداخله قدرت‌های جهانی	افزایش مداخله	۲۷/۹۲	۲۸/۲۵
		کاهش مداخله	۲۵/۰۹	۲۲/۳۶
۵	دولت‌های منطقه	همکاری و همگرایی	۲۳/۵۵	۱۹/۲۶
		تضاد و تنازع	۲۶/۳۳	۲۴/۷۵

### گام چهارم: تعیین پیشران‌های کلیدی

هدف اصلی این مرحله آشکارسازی پیشران‌های کلیدی آینده به منظور تشکیل زیربنای تدوین سناریوها است. دو شرط اساسی در انتخاب پیشران‌های کلیدی به عنوان زیربنای تدوین سناریوها عبارتند از:

#### ۱. تأثیرگذاری بالا

براین اساس پیشران‌هایی که در جدول ۴ بیشترین اثرگذاری را در میان سایر پیشران‌ها داشته در واقع واجد اولین شرط مبنی بر تأثیرگذاری بالا هستند.

#### ۲. عدم قطعیت بالا

براساس این شرط، پیشران انتخاب شده برای تشکیل زیربنای سناریو باید دارای عدم قطعیت بالایی باشد. عدم قطعیت در اینجا عبارت است از میزان پیش‌بینی‌ناپذیر بودن تحولات و نتایج آینده پیشران مورد نظر. برای احصای پیشران‌های دارای ویژگی عدم قطعیت نیز می‌توان از جدول تأثیرگذاری \_ تأثیرپذیری (جدول ۴) استفاده نمود. پیشران‌هایی که به طور هم‌زمان بسیار تأثیرگذار و تأثیرپذیر هستند، دارای ویژگی عدم قطعیت هستند. این پیشران‌ها علاوه بر اینکه ماهیتی بی‌ثبات کننده دارند، امکان پیش‌بینی صحیح تحولات آنها نیز وجود ندارد. چرا که هر اقدام از سوی این پیشران‌ها در سایر پیشران‌ها نیز تأثیر دارد (سمیعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۵).

به منظور استخراج نهایی پیشران‌های کلیدی شکل دهنده به زیر بنای سناریوهای این پژوهش از اشتراک دو شرط فوق و با استفاده از جدول ۴ می‌توان گفت پیشران‌های مداخله قدرت‌های جهانی و دولت‌های منطقه‌ای پیشران‌های کلیدی هستند که هر دو شرط تأثیرگذاری بالا و عدم قطعیت بالا را در اختیار دارند.

### گام پنجم: معماری زیربنای سناریوها

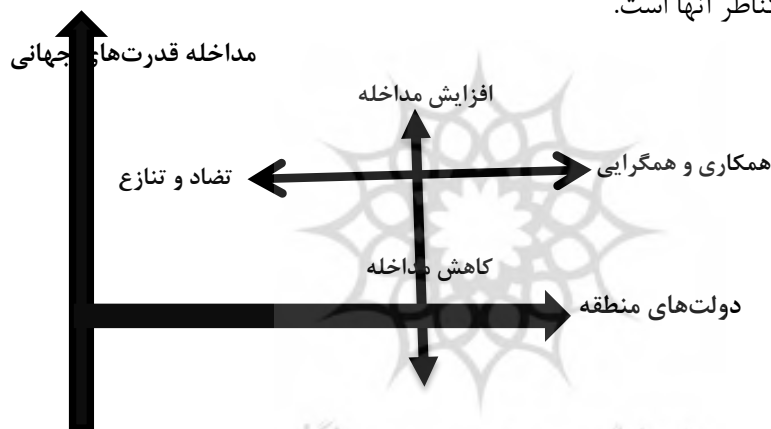
در این گام با استفاده از دو پیشران کلیدی مشخص شده در گام چهارم، چارچوب اولیه سناریو تنظیم می‌شود. به تعبیر روشن‌تر، پس از مشخص شدن پیشران‌های کلیدی که دارای بیشترین تأثیرگذاری و عدم قطعیت می‌باشند؛ در این گام محورهای اصلی سناریوهای نهایی مشخص می‌شوند. تعیین این محورها، در واقع یکی از مهمترین گام‌ها در فرآیند خلق سناریوها است (سمیعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۸). براساس گام چهارم، پیشران‌های کلیدی انتخاب شده برای تشکیل زیربنای سناریوهای نهایی عبارتند از:

- مداخله قدرت‌های جهانی؛
- دولت‌های منطقه؛

با توجه به این دو پیشران کلیدی و به منظور ایجاد منطق بدیل آنها، دو پرسش اساسی درباره پیشران‌های مذکور به وجود خواهد آمد.

- (۱) آیا مداخله قدرت‌های جهانی در منطقه خاورمیانه روندی صعودی به خود خواهد گرفت و یا اینکه در نهایت منطقه با کاهش مداخله خارجی روبه‌رو خواهد شد؟
- (۲) آیا تنش و تضاد مابین دولت‌های منطقه کاهش خواهد یافت یا اینکه روند صعودی به خود خواهد گرفت؟

پاسخ به این دو پرسش، منطقی را به وجود خواهد آورد که در مقابل یکدیگر، ماتریسی مفید و خوب از چهار سناریوی بدیل پدید می‌آورند. نمودار زیر نشان دهنده چارچوب اولیه سناریوهای نظم منطقه‌ای خاورمیانه براساس دو پیشران کلیدی مداخله قدرت‌های جهانی و دولت‌های منطقه و همچنین حالات متناظر آنها است.



نمودار (۱) چارچوب اولیه سناریوهای نظم منطقه‌ای خاورمیانه

#### گام ششم: شناسایی بازیگران تعیین کننده

بازیگران متعددی بر آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه اثرگذار هستند. دسته بندی‌های متعددی از این بازیگران قابل ارائه است. در این گزارش این بازیگران به دو دسته کلی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تقسیم شده‌اند. باید گفت این مجموعه شامل تمامی بازیگران مؤثر بر آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه نیست. چرا که بررسی تمامی این بازیگران امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین دلیل در این پژوهش مهمترین بازیگران تأثیرگذار بر آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه مد نظر قرار گرفته‌اند.

#### بازیگران منطقه‌ای

در عرصه منطقه‌ای، محیط منطقه‌ای خاورمیانه بازیگران متعددی را در خود جای داده است. به دلیل لایه‌بندی نامتوازن قدرت در بین کشورهای خاورمیانه تمامی آنها به یک اندازه بر تحولات منطقه تأثیرگذار نمی‌باشند. بلکه برخی از واحدهای منطقه‌ای نقشی مهم و برجسته در معماری نظم منطقه‌ای خاورمیانه دارند. در خاورمیانه جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و تا حدودی قطر و امارات از این دسته محسوب می‌شوند.

### ایران

تا قبل از شکل‌گیری نظم منطقه‌ای در خاورمیانه در قالب کنونی آن به مدت چندین سده ایران به عنوان قدرت مسلط مطرح بوده است. حتی در برهه‌های تاریخی نیز که ایران تحت تصرف مهاجمین مختلف بوده است نیز همه آنان اندک زمانی بعد از هجوم مقهور تمدن و فرهنگ ایرانی شدند (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۳۳). ایران فارغ از هر نوع حکومت و خط مشی سیاسی همواره از جایگاه برجسته‌ای در تحولات منطقه‌ای خاورمیانه برخوردار بوده است. به عبارت دقیق، ایران همواره به عنوان مهمترین بازیگر منطقه‌ای در خاورمیانه مطرح بوده است. موضوعی که در در چند دهه گذشته با وقوع انقلاب اسلامی نیز استمرار تاریخی خود را حفظ کرده است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه عطف تاریخ جدید خاورمیانه به شمار می‌رود. چرا که این پدیده گفتمان اسلامی را به عنوان گفتمان مسلط نظم منطقه‌ای خاورمیانه بدل نمود. موضوعی که سبب شده است عمده تحولات منطقه خاورمیانه تحت تأثیر این پدیده قرار گیرد. از آن زمان محیط منطقه‌ای خاورمیانه نقطه تلاقی دو نظم انقلابی به رهبری جمهوری اسلامی ایران و نظم هژمونیک به رهبری امریکا و متحدین منطقه‌ای این کشور بوده است. وقایع چهار دهه گذشته و حتی آینده منطقه خاورمیانه همه تحت‌الشعاع تضاد و دوگانگی این ساختار حاکم بر منطقه است.

### عربستان سعودی

در تاریخ سیاست بین‌الملل مصالحه و سازش دولت‌های انقلابی و محافظه‌کار، موضوعی محال و بی‌سابقه بوده است. تضاد پادشاهی‌های محافظه‌کار اروپایی و فرانسه انقلابی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ و تدارک شش مرحله جنگ با دولت انقلابی فرانسه و همین‌طور تهاجم دولت‌های اروپایی علیه روسیه انقلابی در فاصله سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱ و چندین مثال دیگر خود شاهدی بر این مدعا است (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹۸). این تضاد سازش‌ناپذیر در خاورمیانه نیز مابین ایران انقلابی و عربستان محافظه‌کار خود را نشان داده است. عربستان سعودی به تبعیت از این تضاد در طول چهار دهه گذشته همواره تمام توان خود را معطوف به اعمال سیاست «منطقه قرنطینه»<sup>۱</sup> برای ممانعت از گسترش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران کرده است. به عبارت دیگر، در طول چهل

۱. Cordon Sanitaire

سال گذشته همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های پادشاهی عربستان سعودی، چگونگی مقابله با جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولتی انقلابی و قدرتمند در خاورمیانه و حتی یک سطح فراتر مجموعه جهان اسلام بوده است. اقداماتی مانند تأسیس شورای همکاری خلیج فارس، حمایت گسترده از عراق در جنگ تحمیلی، رقابت گسترده و بی‌پایان با ایران در منطقه، پیوند استراتژیک با آمریکا، تلاش دیپلماتیک گسترده برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد، حمایت از تحریم‌های گسترده علیه ایران و گسترش اسلام سلفی و وهابیت در تقابل با اسلام شیعی همه در این راستا قابل تفسیر است. بنابراین، در طول چهل سال گذشته فضای ناشی از تنش و تضاد مابین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی تعیین کننده بسیاری از تحولات منطقه‌ای در خاورمیانه بوده است. ادعایی که در رویارویی‌های گسترده دو کشور در سوریه، یمن، بحرین، عراق و لبنان به اثبات رسیده است. پس با این اوصاف، می‌توان چنین استنباط کرد که همچنان در آینده نیز تضاد و رقابت ایران و عربستان تعیین کننده تحولات منطقه‌ای در خاورمیانه خواهد بود.

#### ترکیه

در مقایسه با گذشته، ترکیه به شکلی بی‌سابقه و شدتی فزاینده در خاورمیانه به بازیگری تأثیرگذار تبدیل شده است (دهشیار، ۱۳۹۱). تا قبل از سال ۲۰۰۲ مهم‌ترین راهبرد ترکیه در حوزه سیاست خارجی اروپایی شدن و پیوستن به اتحادیه اروپا بود. با ادامه این روند به همان میزان خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه در اولویت قرار نمی‌گرفت. اما از اواخر سال ۲۰۰۲ با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی ترکیه با چرخش مهمی روبه‌رو شد. اول اینکه اروپا محوری حاکم در سیاست خارجی این کشور کم‌رنگ شد. دوم اینکه از این زمان به بعد ترکیه به طور فعالانه و گسترده بر خاورمیانه متمرکز شد. گفتمان عمق استراتژیک و به صفر رساندن اختلاف با همسایگان عرب و سایر دولت‌های منطقه خاورمیانه در همین راستا چراغ راه سیاست‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای ترکیه قرار گرفت. در دو دهه گذشته متأثر از این چرخش استراتژیک ترکیه نقش مهم و برجسته‌ای در تحولات منطقه خاورمیانه داشته است. روندی که با توجه به حاکمیت اسلام‌گرایان در رأس کادر سیاسی ترکیه و تنش مابین این کشور و اتحادیه اروپا، استمرار آن در آینده محتمل به نظر می‌رسد.

#### رژیم صهیونیستی

در تمام سال‌های پس از تأسیس رژیم صهیونیستی به دلیل تعارض عمیق و گسترده مابین این رژیم و اکثر دولت‌های اسلامی، خاورمیانه با تعارض و آشوب گسترده و متراکم روبه‌رو بوده

است (Brun and Shapira, 2020). رژیم صهیونیستی از معدود کشورهایی است که بالاترین و طولانی‌ترین تعارض و تخاصم را در طول حیات خود تجربه کرده است. گاه‌شمار تعارض این کشور با کشورهای محیط پیرامونی خود در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳، ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ گواهی بر این مدعا است. شکست‌های پی‌درپی اعراب از رژیم صهیونیستی سبب سرخوردگی و یأس و در نتیجه دست کشیدن آنها از آرمان فلسطین شد. اما طلوع انقلاب اسلامی ایران در شرق سرزمین‌های اسلامی دوباره آرمان فلسطین را احیا کرد. جمهوری اسلامی ایران مهمترین هم‌اورد جهانی و منطقه‌ای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود که تهدیدی جدی را متوجه بقا این کشور کرده است. ایران مهمترین رسالت منطقه‌ای خود را نابودی این رژیم جعلی می‌داند. در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، رژیم صهیونیستی بیشترین و طولانی‌ترین تقابل و تخاصم را با ایران دارد. موضوعی که تبدیل به یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر نظم منطقه‌ای خاورمیانه شده است.

### فرامنطقه‌ای

از ویژگی‌های پایدار نظم منطقه‌ای خاورمیانه حضور گسترده و مداخله‌گری قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تحولات منطقه است. خاورمیانه همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی و متأثر از آن با مداخله آنان روبه‌رو بوده است. توجه به ابعاد مختلف نظم منطقه‌ای در خاورمیانه بدون توجه به نقش قدرت‌های جهانی در این منطقه با نقص روبه‌روست. مهمترین قدرت‌های فرامنطقه‌ای تأثیرگذار در خاورمیانه آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین هستند.

### امریکا

حضور و نفوذ آمریکا در خاورمیانه مقارن با پایان جنگ جهانی دوم و شروع جنگ سرد است. در این دوره اهمیت ژئواستراتژیکی خاورمیانه در رقابت جهانی با شوروی و اهمیت ژئواکونومیک آن به دلیل وجود منابع گسترده انرژی سرآغازی برای حضور گسترده آمریکا در این منطقه شد. برقراری روابط استراتژیک با اکثر دولت‌های خاورمیانه در قالب شکل‌دهی به ترتیبات امنیت منطقه‌ای مانند «سنتو»<sup>۱</sup> حکایت از برتری آمریکا نسبت به شوروی داشت. با این وجود حتی با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ نه تنها از میزان مداخله آمریکا در خاورمیانه کاسته نشد، بلکه از این زمان به بعد حضور این کشور در منطقه با شیب زیادی گسترش پیدا کرد. تهاجم گسترده نظامی به افغانستان و عراق، حمله به لیبی در سال ۲۰۱۱، تأسیس پایگاه‌های نظامی گسترده در منطقه

<sup>۱</sup>. Central Treaty Organization

و برقراری اتحاد استراتژیک با دولت عرب حاشیه خلیج فارس و غیره همه از مصادیق حضور گسترده آمریکا در خاورمیانه است.

به طور کلی، خاورمیانه در طول چند دهه گذشته همواره با مداخله متعدد از ناحیه آمریکا روبه‌رو بوده است (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۴۹). در قالب مداخله خارجی آمریکا از الگوهای متعددی نیز بهره گرفته است از جمله الگوی براندازی، کودتا، مانور نظامی، پیمان‌های امنیتی، کمک مالی به گروه‌های مخالف دولت‌های مورد نظر در منطقه، بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی، حمله نظامی، اتحاد و ائتلاف از آن جمله می‌باشد.

### روسیه

روسیه از اولین قدرت‌های جهانی مداخله‌گر در تحولات منطقه‌ای خاورمیانه است. حضور این کشور در خاورمیانه به دوره تزارها ذیل عنوان سیاست دسترسی به آب‌های گرم برمی‌گردد (سهرابی، ۱۳۹۳). روسیه از این طریق به دنبال دسترسی به آب‌های گرم جنوب ایران بود تا از این طریق بتواند به راحتی به آب‌های آزاد خلیج فارس، عمان و اقیانوس هند دسترسی داشته و از سوی دیگر امپراتوری بریتانیا مهم‌ترین رقیب آن زمان خود را از طریق تهدید هندوستان، تحت فشار گذارد. توسعه‌طلبی و سلطه‌جویی روسیه در در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و اشغال مناطق وسیعی از ایران و امپراتوری عثمانی در این راستا قابل تفسیر است. انقلاب ۱۹۱۷ سبب وقفه‌ای اندک در مداخله‌گری روسیه در خاورمیانه شد. با این وجود در فاصله بین دو جنگ بزرگ جهانی و دوران جنگ سرد بار دیگر این کشور سیاست توسعه‌طلبی در خاورمیانه را در پیش گرفت. در این دوران مهم‌ترین هدف روسیه در قامت امپراتوری شوروی برای حضور در خاورمیانه، مقابله با نفوذ گسترده بلوک سرمایه‌داری غرب در محیط پیرامونی این کشور بود. دومین نوسان در سیاست روسیه در منطقه خاورمیانه به فروپاشی امپراتوری شوروی و در حد فاصل بین ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱ برمی‌گردد. در این برهه زمانی فروپاشی شوروی باعث گردید روسیه به قدرت درجه دوم تنزل یافته و برای نزدیک به دو دهه این کشور سیاست منفعلی را در منطقه خاورمیانه در پیش بگیرد. اما روی کارآمدن پوتین و جنبش بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ سرآغازی برای حضور فعال و گسترده مجدد روسیه در منطقه شد. به طور کلی، منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت ممتاز خود همواره دارای جایگاهی برجسته برای روسیه بوده است. به همین دلیل حضور و ایفای نقش فعال در تحولات خاورمیانه همواره مورد توجه رهبران روسیه بوده است.

### اتحادیه اروپا



قدرت‌های اروپایی طلا به‌داران عصر استعمار و متعاقب آن مداخله در سایر مناطق جهان بودند. از قرن شانزدهم میلادی کشورهای اروپایی طریق سیطره بر سایر مناطق جهان را در پیش گرفتند. خاورمیانه از جمله مناطقی بود که به دلیل موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مد نظر قدرت‌های اروپایی بود. پرتغال، فرانسه و انگلستان و آلمان از قدرت‌های اروپایی بودند که به دنبال بسط قدرت و نفوذ خود در خاورمیانه بودند. به طور غالب انگلستان و تا حدودی فرانسه از جمله قدرت‌هایی اروپایی بودند که بیشترین سهم را در سیطره بر منطقه خاورمیانه تا نیمه قرن بیستم داشتند. گرچه سیاست‌های استعماری انگلستان ابتدا بیشتر بر شبه قاره هند متمرکز بود، اما با پیدایش نفت در خاورمیانه این منطقه کانون توجه این کشور قرار گرفت. بسیاری از چالش‌ها و تضادهای قومی و مرزی در خاورمیانه به مرزبندی‌های مصنوعی ناشی از عصر استعمار انگلستان در منطقه بر می‌گردد. با وقوع جنگ جهانی دوم و متعاقب آن تضعیف قدرت‌های اروپایی بر اثر ویرانی‌های گسترده ناشی از جنگ، سیطره و نفوذ آنها در سایر مناطق منجمله خاورمیانه از میان رفت. از این زمان به بعد آمریکا جایگزین قدرت‌های اروپایی و به طور خاص انگلستان در خاورمیانه شد. نوسازی کشورهای اروپایی و همگرایی آنها ذیل عنوان موجودیتی تحت عنوان اتحادیه اروپا سرآغاز روندی نوین در سیاست‌های جهانی قدرت‌های اروپایی در سایر مناطق جهان شد. با این وجود گذشته قدرت‌های اروپایی هرگز احیا نشد. در چند دهه گذشته قدرت‌های اروپایی در قامت اتحادیه اروپا همواره در چارچوب چتر حمایتی آمریکا به ایفای نقش در تحولات جهانی پرداخته‌اند. منطقه خاورمیانه نیز از این قائده مستثنی نبوده است. در چند دهه گذشته کشورهای اروپایی چه در قامت اتحادیه اروپا و چه خارج از این چارچوب پیوسته در زیر چتر حمایتی آمریکا و هماهنگ با سیاست‌های این کشور به ایفای نقش در خاورمیانه پرداخته‌اند. موضوعی که با توجه به تقرب مکانی خاورمیانه و اهمیت تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن برای اروپا و همین‌طور وابستگی آنها به آمریکا حداقل در یک دهه آینده نیز استمرار پیدا خواهد کرد.

### چین

چین از قدرت‌های نوظهور جهانی است که در چند دهه گذشته رشد چشمگیری را در عرصه‌های مختلف تجربه کرده است. چین در حال تبدیل شدن به بزرگترین اقتصاد جهانی است. اقتصاد در حال رشد سریع چین به منابع انرژی فسیلی وابسته است. با توجه فقر چین از نظر منابع انرژی این کشور به شدت به منابع خارجی انرژی وابسته است. در حال حاضر خاورمیانه بزرگترین منبع تأمین انرژی اقتصاد بزرگ چین است. به همین دلیل خاورمیانه از جمله مناطقی است که به دلیل ذخایر گسترده انرژی اهمیتی استراتژیک برای چین دارد. با توجه به این شرایط، منافع

چین در خاورمیانه در حال گسترش است. موضوعی که متعاقب آن مشارکت و حضور سیاسی، نظامی و اقتصادی فعال و گسترده چین در منطقه خاورمیانه را در بر خواهد داشت. بنابراین، چین از بازیگران جدید فرامنطقه‌ای مهم در خاورمیانه است که باید نقش و تأثیرگذاری آن در تحولات آینده منطقه را در نظر گرفت.

### گام هفتم: ساخت نهایی سناریوها

در این گام سناریوهای نهایی پژوهش براساس چارچوب ترسیم شده در گام‌های پنجم و ششم تدوین می‌شود. از تقاطع دو پیشران کلیدی مداخله قدرت‌های جهانی، دولت‌های منطقه‌ای و حالات متناظر آنها چهار حالت زیر شکل خواهد گرفت.

**A:** افزایش مداخله قدرت‌های جهانی در خاورمیانه \_ افزایش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه؛

**B:** افزایش مداخله قدرت‌های جهانی در خاورمیانه \_ کاهش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه؛

**C:** کاهش مداخله قدرت‌های جهانی در خاورمیانه \_ کاهش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه؛

**D:** کاهش مداخله قدرت‌های جهانی در خاورمیانه \_ افزایش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه؛

برای ترسیم سناریوی نهایی که دارای بیشترین سازگاری با واقعیت بیرونی است به گام سوم رجوع می‌کنیم. براساس نظرات خبرگی احصا شده در قالب جداول ۳ و ۴، حالات متناظر افزایش مداخله و افزایش تنش و تضاد دارای بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری و بنابراین عدم قطعیت هستند. بر این اساس، حالت A دارای بیشترین تطابق با واقعیت منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ است و بنابراین مبنای سناریوپردازی قرار خواهد گرفت.

### خاورمیانه بستر جاه‌طلبی قدرت‌های جهانی

#### تغییر ماهیت مداخله‌گری امریکا

شواهدی مانند قرارگیری امریکا در سرآشوبی نزولی چرخه قدرت جهانی و در سوی مقابل رشد قدرت رقبای جهانی و منطقه‌ای مانند چین، روسیه، ایران و کره شمالی و خطر پیوند استراتژیک آنها این کشور را به تجدید نظر در راهبردهای دفاعی خود برای مدیریت نظم منطقه‌ای خاورمیانه در چند سال آینده وادار خواهد کرد. متأثر از این شرایط، اندیشه کاستن از تعهدات یک‌جانبه در خاورمیانه و حرکت به سمت چندجانبه‌گرایی برای ایجاد توازن بازدارندگی در مقابل رقبای

احتمالی از سوی آمریکا در کانون توجه قرار خواهد گرفت. این مهم همچنین یک استراتژی مؤثر برای کاستن از هزینه‌های مالی مدیریت نظم در خاورمیانه برای این کشور است. چرا که چندجانبه‌گرایی آمریکا در آینده در راستای تقسیم بار مالی ناشی از حضور این کشور در خاورمیانه نیز هست. مطابق با این شرایط انتظار می‌رود در محیط آینده خاورمیانه جستجو برای کسب قدرت استراتژیک در راستای موازنه سازی در معادله بازدارندگی مهمترین دستور کار منطقه‌ای آمریکا باشد. تغییر محاسبات امنیتی آمریکا در این راستا دو راهبرد مهم را برای مدیریت نظم منطقه‌ای در خاورمیانه از سوی این کشور در آینده برجسته خواهد کرد که عبارتند از:

- اتحادهای و ائتلاف‌های درون منطقه‌ای؛
- توسعه پیمان‌های دفاعی فرامنطقه‌ای؛

مطابق راهبرد نخست آمریکا تلاش خواهد کرد طرح‌هایی راهبردی مانند «ناتوی عربی<sup>۱</sup>» و «اتحاد دریای سرخ<sup>۲</sup>» عملیاتی شوند. آمریکا از این طریق تلاش خواهد کرد در بازی‌های استراتژیک منطقه‌ای در خاورمیانه عرصه را بر قدرت‌های چالشگر منطقه‌ای مانند ایران و چالشگران جهانی مانند روسیه و چین با سنگین کردن توازن قدرت به ضرر این کشورها تنگ کند. پس این ایده آمریکا یک اقدام ضروری برای تحقق راهبرد توازن منطقه‌ای و جهانی بازدارندگی این کشور در مقابل رقبا محسوب می‌شود. آمریکا بعد از نزدیک به سه دهه گسترانیدن چتر حمایتی مستقیم بر سر متحدین منطقه‌ای خود در خاورمیانه تلاش خواهد کرد در چند سال آینده با کاهش تعهدات مستقیم منطقه‌ای خود نقش گسترده‌تری را برای متحدین منطقه‌ای خود در نظر بگیرد. این مهم از طریق حمایت از شکل‌گیری سازوکارهای دفاعی چندجانبه درون منطقه‌ای محقق خواهد شد. اعتبار تهدید این سازوکارهای چندجانبه نیز در معادله بازدارندگی منطقه‌ای سنتکام و برخی دیگر از پایگاه‌های استراتژیک منطقه‌ای این کشور در خاورمیانه است. پس، آمریکا در چند سال آینده با تغییر ماهیت مداخله از یک‌جانبه‌گرایی واحد محور به چندجانبه‌گرایی رژیم محور با محوریت متحدین منطقه‌ای در خاورمیانه گذار خواهد کرد. به تعبیر روشن‌تر، آمریکا منطقه را ترک نخواهد کرد بلکه ماهیت مداخله آن به سمتی سیر خواهد کرد که برای مدیریت نظم منطقه‌ای در خاورمیانه نقش بیشتری را با حمایت خود به متحدین منطقه‌ای بدهد.

مطابق با راهبرد توسعه پیمان‌های دفاعی فرامنطقه‌ای آمریکا تلاش خواهد کرد با ورود ناتو و متحدین اروپایی خود و همچنین فعال کردن سازوکارهای درون منطقه‌ای، علاوه بر تجمیع توانایی جمعی خود در منطقه برای مقابله با ایران، روسیه و چین، زمینه را برای تمرکز بیشتر بر

1. Arab NATO

2. Red Sea Alliance

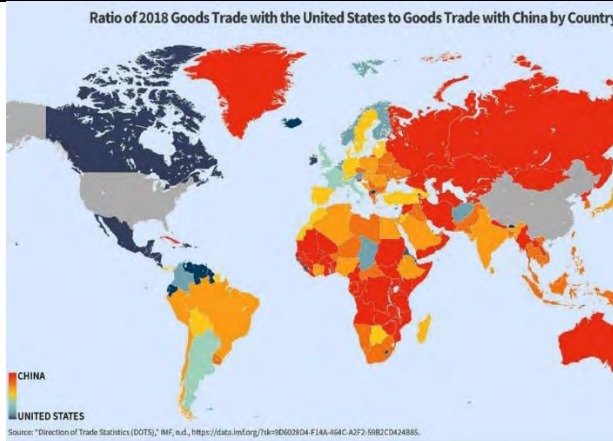
منطقه پاسیفیک نیز فراهم کند. چرا که خروج امریکا و کاهش نقش آن در خاورمیانه معادلات منطقه‌ای را در این منطقه به صورت گسترده‌ای تغییر خواهد داد، زیرا بلافاصله سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سعی خواهند کرد خلأ استراتژیک ناشی از نبود و کاهش سیطره و نفوذ امریکا را پر کنند.

باید گفت که تغییر راهبرد امریکا در خاورمیانه به معنای کاهش مشارکت و مداخله نظامی امریکا در منطقه نخواهد بود، بلکه حتی تشدید حضور در منطقه اما در قالبی دیگر است. چرا که پیشینه اقدامات امریکا در منطقه نشان می‌دهد که ماهیت منافع امریکا در خاورمیانه پایدار است. منافی که حضور پایدار در خاورمیانه است. اما تغییر و تحولات جهانی و منطقه‌ای سبب تغییر و تحول نوع حضور امریکا در منطقه خواهد شد. این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که مهم‌ترین نگرانی امریکا شکل‌گیری خلأ قدرت در خاورمیانه و در نتیجه افزایش قدرت و نفوذ رقبای منطقه‌ای و جهانی خود در منطقه است. موضوعی که تقویت سازوکارهای چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی امریکا در راستای ممانعت از شکل‌گیری آن است.

#### نفوذ فزاینده چین

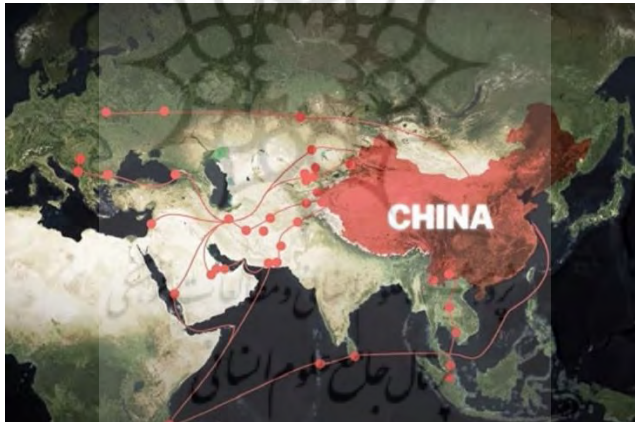
برکسی پوشیده نیست که چین با بالاترین نرخ رشد اقتصادی و همچنین برخورداری از سایر مؤلفه‌های قدرت مانند جمعیت و وسعت در حال تبدیل شدن به قدرت برتر سیستم بین‌الملل است. رشد اقتصادی چین در کنار افزایش قدرت آن، نفوذ در سایر مناطق استراتژیک سیستم بین‌الملل را به دنبال دارد. نقشه زیر که توسط «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی»<sup>۱</sup> تهیه شده است به خوبی گسترش شبکه ژئواکونومیک چین و نفوذ گسترده بین‌المللی آن را در مقایسه با امریکا نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۲) شبکه ژئواکونومیک چین در سیستم بین الملل

اولین نقطه هدف برای چین بعد از محیط پیرامونی این کشور در شرق آسیا، خاورمیانه است. دینامیک قدرت چین در جنوب با حضور امریکا و مناقشه این کشور با تایوان و سنگاپور، در شرق با ژاپن و کره، در شمال با روسیه، و در جنوب غرب با هند با بن‌بست روبه‌روست. بنابراین، ناگزیر تنها روزنه برای آزاد شدن دینامیک قدرت چین خاورمیانه است.



شکل (۳) آزاد شدن دینامیک قدرت چین به سمت خاورمیانه

نیاز مبرم چین به انرژی دیگر متغیر مهم برای افزایش و بسط بیشتر نفوذ چین در خاورمیانه است. همچنین، چین به دلیل نداشتن سابقه منفی استعماری در سایر ملل جهان سوم به ویژه در خاورمیانه جاذبه بیشتری دارد. در حال حاضر، ایران، پاکستان و عراق از شرکای استراتژیک چین در منطقه هستند. کشورهایمانند عربستان سعودی نیز در راستای ایجاد پیوند استراتژیک با قدرت‌های جهانی به دنبال بسط بیشتر روابط با چین در چشم‌انداز آینده خود است.

به طور کلی، چین از شرق به دلیل حضور آمریکا در ژاپن و کره جنوبی و دریای چین برای شبکه‌سازی و توسعه طلبی با محدودیت روبه‌روست. بنابراین، نگاه این کشور برای شبکه‌سازی به غرب معطوف است. توسعه سازمان همکاری شانگهای، پروژه راه ابریشم جدید و همچنین مطرح بودن انرژی خاورمیانه به عنوان قلب تپنده اقتصاد بزرگ چین این کشور را هرچه بیشتر در آینده معطوف به خاورمیانه خواهد کرد. این مهم سبب افزایش مشارکت بیشتر چین در تحولات منطقه ای خاورمیانه در آینده نزدیک است.

#### سیاست احیای مناطق نفوذ روسیه

روسیه از دیرباز به دلیل محدودیت‌های محیطی سرزمین‌های شمالی و همچنین سرزمین‌های غربی به دلیل همجواری با غرب و کشورهای قدرتمند اروپایی، با شعار دستیابی به آب‌های گرم به دنبال توسعه طلبی و افزایش نفوذ در خاورمیانه بوده است. از سوی دیگر یکی از مهمترین دستور کارهای سیاست خارجی پوتین، احیای نقش گذشته امپراتوری شوروی در سیستم بین‌الملل برای روسیه کنونی است. متناسب با این اهداف، ضرورت مقابله با توسعه ناتو و قانون تمدید ریاست جمهوری پوتین تا سال ۲۰۳۶، در آینده نزدیک باید شاهد نقش‌آفرینی بیشتر روسیه در تحولات خاورمیانه باشیم. روسیه ملی‌گرا در دوره پوتین تلاش خواهد کرد مناطق نفوذ بیشتری را در منطقه خاورمیانه به دست آورد. در رقابت با آمریکا روسیه تلاش خواهد کرد کرانه‌های نفوذ خود را تا خلیج فارس امتداد دهد. به عبارت دقیق، روسیه تلاش خواهد کرد علاوه بر حوزه شامات و مدیترانه در جنوب منطقه نیز مناطق نفوذ خود را گسترش دهد. این مهم یک استراتژی چالشی از سوی روسیه برای مقابله با آمریکا است. چرا که ایجاد چالش برای منافع آمریکا در خلیج فارس سبب کاهش قدرت مانور این کشور در محیط پیرامونی روسیه در آسیای مرکزی، قفقاز و دریای سیاه است. حفظ برتری استراتژیک روسیه در این مناطق نیازمند مقابله با آمریکا در ماورای این مناطق یعنی خاورمیانه است.

روسیه احتمالاً فعالانه تلاش خواهد کرد از تباطات نظامی خود را با سوریه، جمهوری اسلامی ایران، لیبی و عراق گسترش دهد. همکاری‌های استراتژیک چندجانبه رسمی در قالب پیمان‌های دفاعی با این کشورها نیز از سوی روسیه دور از ذهن نخواهد بود. هم روسیه به چنین مکانیسمی برای مقابله با آمریکا نیاز دارد و هم بازیگران منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران. ممکن بودن چنین رخدادی به این دلیل است که شکل‌گیری و تعریف تهدیدی مشترک لزوم مقابله جمعی را بیش از هر زمانی برجسته خواهد کرد.

### خاورمیانه بستر نمایش توانایی‌های اتحادیه اروپا در سیستم بین‌الملل

سرانجام، باید به نقش روبه گسترش اتحادیه اروپا در خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ اشاره کرد. اتحادیه اروپا نگران گسترش تنش و تضاد در خاورمیانه است. چرا که این موضوع تبعات مستقیمی برای کشورهای اروپایی به دنبال دارد. همانطور که بحران سوریه کشورهای اروپایی را با مشکلات گسترده ناشی از موج‌های گسترده مهاجران و تروریسم روبه‌رو کرد. اهدافی مانند ممانعت از توسعه برنامه هسته‌ای ایران، جلوگیری از شکل‌گیری تعارض گسترده در خاورمیانه، جلوگیری از نفوذ روسیه و چین و در نهایت نمانش توانایی‌های اتحادیه اروپا در سیاست جهانی از جمله عواملی است که باعث خواهد شد در چند سال آینده نقش و نفوذ اتحادیه اروپا در منطقه افزایش پیدا کند.

در مجموع، تغییر و تحول در دینامیک‌های قدرت چین، روسیه، امریکا و اتحادیه اروپا در چرخه جهانی قدرت، سبب تصادم و تراحم منافع آنها در مناطق نفوذ یکدیگر خواهد شد. خاورمیانه به دلیل قابلیت‌های برجسته ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی از جمله مناطقی است که به صورت جدی در حال تبدیل شدن به صحنه رقابت گسترده بین قدرت‌های جهانی است. به عبارت روشن، با توجه به منافع روبه رشد چین و روسیه در خاورمیانه و نیز منافع گسترده امریکا و اتحادیه اروپا، این منطقه به‌زودی به صحنه رقابت آنها تبدیل خواهد شد. موضوعی که سبب خواهد شد نظم منطقه‌ای در خاورمیانه در چند سال آینده چند قطبی باشد. بنابراین، در آینده شاهد افزایش فشارهای ساختاری بین‌المللی بر محیط منطقه‌ای خاورمیانه از سوی قدرت‌های جهانی (چین، روسیه، امریکا و اتحادیه اروپا) و در نهایت افزایش مداخله و تنش در این منطقه از سوی آنان خواهیم بود. این مهم با درگیر کردن واحدهای منطقه‌ای در خاورمیانه، سبب ایجاد تهدیدات اساسی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی علیه آنان خواهد شد که خواسته یا ناخواسته درگیر فضای رقابت و تنش قدرت‌های جهانی در منطقه خواهند شد.

### بازی با حاصل جمع صفر قدرت‌های منطقه‌ای

شکاف متراکم، گسترده و عمیق در میان دولت‌های منطقه خاورمیانه سبب شده است آنها بیش از هر چیزی با یکدیگر تعارض و جنگ داشته باشند. به همین دلیل نیز هرگونه همکاری و همگرایی منطقه‌ای در خاورمیانه در چند دهه گذشته عقیم مانده و رقابت، تکروری و تضاد خصلت پایدار الگوی رفتاری واحدهای منطقه‌ای بوده است. موضوعی که در آینده نیز تداوم و حتی افزایش آن محتمل باشد. شواهد و قرائن زیر مهمترین عواملی است که بر اساس آنها می‌توان محتمل بودن چنین تصویری را در آینده استنباط کرد.

### استمرار بحران یمن

نخست، بحران یمن از آوردگاه‌های مهم تقابل منافع متضاد بازیگران منطقه‌ای خاورمیانه است که در حال تبدیل شدن به تضادی فرسایشی و بلند مدت است. افزایش توان دفاعی نیروهای مردمی انصارالله سبب بن‌بست استراتژیک طرف‌های درگیر در بحران یمن شده است. به این صورت که برای ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی امکان پیروزی کامل در جنگ و حذف انصارالله از صحنه سیاسی یمن وجود ندارد. از سوی دیگر، عربستان سعودی به هیچ وجه حاضر به پذیرش انصارالله و گسترش جبهه مقاومت در مجاورت مرزهای جنوبی خود نمی‌باشد. موضوعی که عملاً سبب تداوم و استمرار بحران یمن در چند سال آینده خواهد شد. گرچه مذاکرات میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در بغداد شواهد و نشانه‌هایی دال بر پایان بحران و شکل‌گیری ثبات را در یمن به ذهن ساطع می‌کند. اما باید گفت که چنین وضعیتی مطلوب عربستان سعودی نمی‌باشد. چرا که پذیرش حضور انصارالله در آینده سیاسی یمن به معنای ایجاد تهدیدی پایدار در نزدیک‌ترین حد ممکن به محیط راهبردی عربستان سعودی است. عربستان بیش از هر چیزی به دلیل تغییر سیاست‌های واشنگتن در قالب تعلیق فروش تسلیحات به ریاض، به جریان انداختن پرونده جمال خاشقچی، پرونده ۱۱ سپتامبر، قطع ارتباط بایدن و بن سلمان و چالش‌های اقتصادی ناشی از بحران کرونا مجبور به حرکت به سمت تنش‌زدایی با ایران و در ذیل آن پایان دادن به بحران یمن شده است. اما این موضوع راهبردی گذرا و موقتی از سوی عربستان سعودی است. چرا که با عبور از این محدودیت‌ها مجدداً تنش در روابط ایران و عربستان حتی با وجود به ثمر نشستن مذاکرات بغداد آغاز خواهد شد. چنین موضوعی در تاریخ روابط ایران و عربستان مسبوق به سابقه است. برای مثال با وجود توافق امنیتی مابین دو کشور در دهه ۸۰ اما با اشغال عراق در ۲۰۰۳ و برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به سود ایران روابط دو کشور از همکاری به تضاد و تنش سوق پیدا کرد. در دوران دولت اصلاحات نیز با در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی از سوی ایران مجدداً روابط دو کشور به مسیر همکاری برگشت. اما دوباره با شروع بیداری اسلامی و افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران متعاقب آن، تخاصم عمیقی بر روابط دو کشور حاکم شد.

با تکیه بر این روند و سایر مسائل ژئوپلیتیکی می‌توان چنین استنباط کرد که عربستان سعودی به دنبال وقفه‌ای کوتاه‌مدت در مقابله خود با ایران در خاورمیانه و به طور خاص انصارالله در یمن است. پس با عبور از این چالش‌ها دوباره مقابله با انصارالله در دستور کار قرار خواهد گرفت. عربستان سعودی تلاش خواهد کرد راهبردی نوین برای مقابله با انصارالله در آینده در پیش گیرد.



راهبرد جدید در ذیل پذیرش آتش بس احتمالی معطوف به حملات آبی و نقطه‌ای به منظور نبودی نقاط تهدید در یمن است. این مهم از طریق شناسایی نقاط تهدید توسط سیستم اطلاعاتی و سپس انهدام توسط نیروی هوایی صورت خواهد پذیرفت. در راستای کاربست چنین راهبردی عربستان سعودی به سمت همکاری با رژیم صهیونیستی معطوف خواهد شد. رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۱ چنین راهبردی را برای مقابله با محور مقاومت در امتداد سرزمین‌های اشغالی در دستور کار قرار داده است. پس، تنش و تضاد در یمن هر چند با نوسان اما در چند سال آینده استمرار خواهد داشت.

#### سوریه: شروع دور جدید تنش و تضاد

اقدامات چند وقت اخیر امریکا و متحدین منطقه‌ای این کشور از جمله عواملی است که خطر تشدید دوباره تنش و تضاد را در سوریه محتمل کرده است. امریکا در دو سال گذشته با تثبیت موقعیت نظامی خود در شرق سوریه به بهانه جلوگیری از بازگشت داعش، در حال آماده‌سازی خود برای دور جدیدی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی در سوریه است. در این راستا، امریکا برای مقابله با آنچه نفوذ ایران و روسیه در سوریه عنوان می‌کند به دنبال تنگ‌کردن عرصه بر آنان و در سوی مقابل افزایش قدرت و نفوذ خود است. مهمترین هدف امریکا، مهندسی حاکمیت سوریه در راستای تغییر کادر سیاسی این کشور در آینده است. به دلیل نقش بسیار پررنگی که قبایل در سوریه ایفا می‌کنند، اقدامات آمریکا و متحدان اروپایی و منطقه‌ای این کشور معطوف به ائتلاف رهبران اصلی قبایل، نیروهای دموکراتیک سوریه و سایر گروه‌های اپوزیسیون بر علیه بشار اسد است. اقداماتی از این قبیل علاوه بر اینکه زمینه رقابت‌های بیشتر را فراهم می‌کند، بسیار پیچیده و چالش برانگیز خواهد بود و زمینه را برای دور جدیدی از تنش‌های سیاسی در آینده نزدیک در سوریه ایجاد خواهد کرد.

#### شکل‌گیری محور عربی - عبری: آغاز دور باطل موازنه‌سازی

سرانجام تحولات یک دهه گذشته خاورمیانه برهم خوردن توازن منطقه‌ای به سود جمهوری اسلامی ایران و به ضرر رژیم صهیونیستی بوده است. به عبارت دقیق، گسترش نفوذ محور شیعه به رهبری ایران در خاورمیانه از جنوب به خلیج فارس تا یمن و حتی باب‌المندب و از شمال تا بندر لاذقیه در سوریه می‌رسد. موضوعی که با شکست توازن منطقه‌ای به ضرر رژیم صهیونیستی تهدیدی جدی برای این کشور محسوب می‌شود. تهدید ناشی از این موضوع سبب شده است رژیم صهیونیستی تشکیل و بنای ائتلافی گسترده و فراگیر در سطح منطقه با حضور و همراهی کشورهای عربی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و موازنه بازدارندگی در مقابل این کشور را در دستور کار قرار دهد. امارات متحده عربی، بحرین، سودان، و مراکش در کنار اردن و مصر از

کشورهای عربی هستند که تاکنون به جبهه رژیم صهیونیستی پیوسته‌اند. عربستان سعودی، عمان، و قطر نیز در اندیشه عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی هستند. بزرگنمایی تهدید ناشی از ایران (ایران هراسی) برای پادشاهی‌های محافظه‌کار عربی، مهمترین مکانیسم رژیم صهیونیستی برای وارد کردن کشورهای عربی به ایده ائتلاف‌های منطقه‌ای خود در برابر جمهوری اسلامی ایران است. موضوعی که در چند سال آینده منطقه خاورمیانه را درگیر دور بی‌پایان موازنه‌سازی و تنش‌ها و تضادهای ناشی از آن خواهد کرد.

برنامه هسته‌ای ایران: شکست دوباره توافق هسته‌ای و گسترش تنش  
جو بایدن نیز با طی طریق زیاده‌خواهی خواهان توافقی جامع‌تر با ایران است که علاوه بر موضوع هسته‌ای، مسائل منطقه‌ای، موشکی و حقوق بشری ایران را نیز در نظر بگیرد. حتی به ثمر نشستن مذاکرات منتج به احیای توافق هسته‌ای نیز سبب پایان تنش‌های ناشی از این موضوع نخواهد شد. چرا که از یک سو توافق هسته‌ای از حمایت قانونی کنگره و سنا برخوردار نیست، از سوی دیگر جمهوری خواهان نیز مخالف جدی آن هستند. اهمیت این موضوع به این دلیل است که روی کار آمدن احتمالی جمهوری خواهان در انتخابات ۲۰۲۴ افزایش تنش و تخصم پیرامون برنامه هسته‌ای ایران را دوباره احیا خواهد کرد. موضوعی که با توجه به آرای نزدیک جو بایدن و دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ دور از ذهن نخواهد بود. بنابراین، افزایش تنش و تضاد در روابط ایران و امریکا و متعاقب آن تسری آن به سطح منطقه خاورمیانه در چند سال آینده محتمل خواهد بود.

#### منابع طبیعی کمیاب: گسترش تنش‌های هیدروپلیتیکی

تا سال ۲۰۳۰، تخریب محیط زیست در خاورمیانه، همراه با رشد بالای جمعیت منجر به وخامت جدی در کیفیت زندگی مردم منطقه خواهد شد. موضوعی که به نوبه خود پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت. اقلیم منطقه خاورمیانه در چند سال آینده متعاقب گرم شدن کره زمین، گرم‌تر خواهد شد. خاورمیانه در ده سال آینده تا ۲ درجه سانتی‌گراد گرم‌تر می‌شود. شرایطی که سبب خواهد شد بسیاری از شهرهای خاورمیانه به معنای واقعی کلمه غیرقابل سکونت شوند. منطقه‌ای که به دلیل مشکلات ناشی از سال‌ها آشوب و جنگ از آمادگی لازم برای مقابله با تغییرات اقلیمی برخوردار نیست. بسیاری از شهرهای خاورمیانه در چند سال آینده با ناآرامی‌های اجتماعی به دلیل کمبود آب و برق روبه‌رو خواهند شد. این رخداد جوی از سوی دیگر سبب کم بارشی و افزایش چرخه‌های خشکسالی و در پی آن بحران آب در منطقه خواهد شد.

شرایطی که در چند سال آینده با کاهش سطح زیر کشت زمین‌های کشاورزی بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه را به وارد کنندگان عمده مواد غذایی تبدیل خواهد کرد. پیامد دیگر تغییر اقلیم منطقه خاورمیانه، بیابان‌زایی است. موضوعی که سبب مهاجرت گسترده از روستاها به سمت نواحی شهری خواهد شد. به دلیل هزینه زیاد سکونت در مناطق شهری بسیاری از مهاجرین در نواحی پیرامونی ساکن خواهند شد. شرایطی که سبب افزایش تنش‌های اجتماعی در شهرهای بزرگ منطقه خواهد شد.

خاورمیانه با وجود دارای بودن ۵ درصد جمعیت جهان تنها ۱ درصد منابع آب شیرین را در اختیار دارد که این منابع نیز عمدتاً در حوضه‌های آبریز مشترک است. در ده سال آینده افزایش جمعیت و تغییر اقلیم سبب کاهش قابل ملاحظه ذخایر آب و در نهایت شکل‌گیری بحران‌های «هیدروپلیتیکی»<sup>۱</sup> در خاورمیانه خواهد شد. به تعبیر روشن‌تر، با توجه به کاهش بارش و تداوم الگوی خشک آب و هوایی در منطقه، بسیاری از کشورهای منطقه در چند سال آینده با کاهش شدید منابع آب روبه‌رو خواهند شد. موضوعی که سبب فعال شدن گسل‌های هیدروپلیتیکی در منطقه خاورمیانه و متعاقب آن افزایش تنش و تضاد در بین کشورهای منطقه خواهد شد. اندک دولت‌هایی که در مناطق بالادست حوضه‌های آبی مشترک قرار دارند از این برتری به عنوان اهرمی برای توسعه نفوذ منطقه‌ای خود استفاده خواهند کرد.

عراق در حدود ۸۰ درصد منابع آب مصرفی خود را وابسته به منابع آبی کشورهای همسایه است. با توجه با احداث «سد آتاتورک» توسط ترکیه و «سد الثوره» توسط سوریه با کاهش «حقاب» عراق این کشور در چند سال آینده با بحران جدی روبه‌رو خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران نیز از نظر منابع آبی از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. مناطق جنوب شرقی ایران وابسته به منابع آب ناشی از هیرمند است. احداث «سد کمال‌خان» توسط افغانستان خطر کاهش حقاب ایران را در پی خواهد داشت. موضوعی که در چند سال آینده تبدیل به مناقشه‌ای جدی میان دو کشور خواهد شد. حوضه‌های آبی مشترک میان ایران و ترکمنستان در شمال شرق و عراق در غرب نیز در چند سال آینده خطر تنش و درگیری را در پی خواهد داشت. حوضه رود اردن از دیگر گسل‌های هیدروپلیتیکی فعال در منطقه خاورمیانه است که در چند سال آینده خطر تنش و درگیری را دارد. این حوضه مابین اردن، رژیم صهیونیستی، سرزمین‌های اشغالی (کرانه باختری)، سوریه، لبنان و مصر مشترک است. این رود ۵۰ درصد نیازهای آب شیرین رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کند. استفاده بیش از اندازه رژیم صهیونیستی در کنار خشکسالی

<sup>۱</sup>. Hydro-politics

در چند سال آینده سبب فشار زیاد به منابع آب و در نتیجه کاهش منابع آبی آن خواهد شد. موضوعی که تبدیل به منبع بالقوه تعارض خواهد شد. حتی آن دسته از کشورهای منطقه خاورمیانه مانند امارات، عربستان سعودی، قطر، بحرین، عمان و کویت نیز که خطر مناقشه آبی با همسایگان را ندارند، تأسیسات گسترده تصفیه آب آنها با معمای امنیت روبه‌روست. چرا که به دلیل غالب بودن الگوی رفتاری تعارضی در میان کشورهای منطقه، تأسیسات حیاتی این کشورها در معرض تهدید از سوی سایرین قرار دارد. پس در آینده نزدیک آب این عنصر حیات بخش با کمیابی تبدیل به متغیری آشوب ساز در منطقه خاورمیانه خواهد شد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خاورمیانه با تراکم فزاینده بحران‌های سیاسی، اجتماعی و امنیتی روبه‌روست. موضوعی که نظم منطقه‌ای خاورمیانه را با آشوبناکی فزاینده روبه‌رو کرده است. این آشوبناکی سرآغاز شکل‌گیری چالش‌های متعدد ژئوپلیتیکی برای دولت‌های منطقه خاورمیانه شده است. این تحقیق در پی بررسی و ریشه‌یابی این چالش‌ها نبوده است، بلکه هدف ارائه تصویری از آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ بوده است. در راستای این هدف، رویکرد روشی این پژوهش مبتنی بر فرآیند سناریوپردازی براساس روش تحلیل تأثیرات متقابل است. مطابق با این رویکرد، فرآیندی هفت مرحله‌ای برای ترسیم و طراحی سناریوهای پژوهش تجویز شد. بعد از مشخص کردن هدف پژوهش، در گام دوم تروریسم، قومیت، قدرت فرمانطقه‌ای، دولت‌های منطقه‌ای و اختلافات مرزی به متغیرهای مورد مطالعه شناسایی شدند. در گام بعدی ده حالت احتمالی برای این متغیرها ارائه شد. با تکیه بر آراء خبرگان پژوهش چه به صورت فردی و گروهی در قالب پنل نخبگانی، مصاحبه و نشست‌های گروهی این حالات احتمالی هر متغیر ارزیابی شدند. این ارزیابی در پژوهش بر پایه مقیاسی بین ۱ تا ۵ بود. براین اساس اتجمیع تمام آراء نخبگان در مورد هر کدام از حالات پیشران‌ها و به دست آوردن ارزش آستانه آنها بر پایه میانگین هندسی بود. تعیین تخمین احتمال رخداد هر کدام از این حالات متغیرها بر پایه ماتریس تحلیل ساختاری انجام شد. در گام چهارم پیشران‌های کلیدی بر پایه دو شرط تأثیرگذاری بالا و عدم قطعیت هر متغیر در ماتریس تحلیل ساختاری شناسایی شدند. تنها دو متغیر قدرت مداخله‌گر و دولت‌های منطقه‌ای واجد این دو شرط شدند. برون‌داد حاصل از این دو گام مبنای تشکیل زیربنای سناریوها در گام پنجم شد. این مهم از طریق تقاطع متغیرهای کلیدی و حالات احتمالی آنها که دارای بیشترین تأثیرگذاری و

عدم قطعیت هستند انجام شد. برای کامل شدن تدوین سناریوها در گام هفتم در گام ششم بازیگران کلیدی شناسایی شدند. بازیگران در دو دسته بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شناسایی شدند. بازیگران منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، عربستان و رژیم صهیونیستی و بازیگران فرامنطقه‌ای امریکا، روسیه، چین و اتحادیه اروپا.

از تقاطع دو پیشران کلیدی و حالات متناظر آنها چهار سناریوی افزایش مداخله قدرت‌های جهانی در خاورمیانه \_ افزایش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه، افزایش مداخله قدرت‌های جهانی در خاورمیانه \_ کاهش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه، کاهش مداخله قدرت‌های جهانی در خاورمیانه \_ کاهش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه و کاهش مداخله قدرت‌های جهانی در خاورمیانه \_ افزایش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه ترسیم شد. یافته پژوهش شناسایی سناریوی افزایش مداخله قدرت‌های جهانی و همین‌طور افزایش تنش و تضاد در بین دولت‌های منطقه خاورمیانه بود. این سناریو بیشترین تطابق و سازگاری را با واقعیت نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰ دارد. با این اوصاف، آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه برآیند جستجو برای کسب قدرت استراتژیک از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهد بود. این جستجو برای کسب مناطق نفوذ و قدرت ممکن است به اشکال زیر انجام شود:

- شکل‌گیری ائتلاف‌های ژئوپلیتیکی جدید؛
- ادامه و حتی گسترش مسابقه تسلیحاتی؛
- افزایش گستره سلاح‌های دوربرد مانند انواع موشک‌ها و حتی تسری دسترسی به آن به گروه‌های غیردولتی؛
- تلاش برای دریافت سهم بیشتر از منابع آب در حوضه‌های آبریز مشترک؛
- رقابت برای کسب مناطق نفوذ در دولت‌های نابسامان و دارای ساخت سیاسی شکننده؛
- تلاش برای دستیابی به قدرت استراتژیک و تعیین‌کننده از طریق تکنولوژی‌های نظامی جدید؛

## قدردانی

از جامعه خبرگانی پژوهش که ما را در فرایند انجام این پژوهش سخاوتمندانه یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

## منابع

- امینیان، بهادر. (۱۳۸۴). آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات، فصلنامه سیاست دفاعی، ۱۲(۴۸): ۷-۲۶.
- ایوب، محمد. (۱۳۹۴). *خاورمیانه از فروپاشی تا نظم‌یابی*، مترجم مهدی زیبایی و سجاد بهرامی مقدم، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک.
- باری، بوزان. (۱۳۸۱). خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا، ترجمه: احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳، ۶۸۰-۶۳۳.
- ترابی، قاسم و طاهری زاده، محمد ناصر. (۱۳۹۸). روندهای مسلط منطقه‌ای و آینده نظم در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۶(۲۹): ۷-۲۹.
- دهشیار، حسین. (۱۳۹۱). هویت خاورمیانه‌ای ترکیه: تاکید منطقه‌ای، فصلنامه سیاست جهانی، ۱(۲): ۱۷۲-۱۴۵.
- دهشیری، محمدرضا و شاه‌مرادی، حسین. (۱۳۹۹). عوامل تعیین‌کننده در سیستم امنیتی خاورمیانه براساس نظریه موازنه همه‌جانبه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳(۴۹): ۱۰۸-۷۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و دیگران. (۱۳۹۷). *نظم امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه*، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- سمیعی، سعید و دیگران. (۱۳۹۹). *سناریوهای بدیل عربستان سعودی در چشم انداز ۲۰۳۰*، چاپ اول، تهران: موسسه افق آینده پژوهی استراتژیک.
- سهرابی، محمد. (۱۳۹۳). سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، فصلنامه روابط بین‌الملل، ۷(۲۵): ۱۴۴-۱۱۳.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۰). *نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای*، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۸۴). طرح مفهومی و نظری مطالعات منطقه‌ای در سیاست بین‌الملل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۶۷): ۱۹۹-۱۵۹.
- کمپ، جفری و ساندرز، پائول. (۱۳۸۴). آمریکا، روسیه و خاورمیانه بزرگ: چالش‌ها و فرصت‌ها، ترجمه سید جواد صالحی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ۶(۳۴): ۹۶-۶۳.
- کمپ، جفری. (۱۳۸۴). *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه: منازعات و یافته‌ها*، مترجم: سید مهدی حسینی متین، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک.
- لاپیدوس، ایرا ماروین. (۱۳۷۶). *تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، چاپ اول، ناشر: آستان قدس رضوی.

- لیک، دیوید و مورگان، پاتریک. (۱۳۹۵). *نظم‌های منطقه‌ای: امنیت سازی در جهانی نوین*، مترجم: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک.
- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۹۰). *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از پیمان وستفالی تا امروز*، چاپ یازدهم، تهران: قومس.
- Brun, Itai and Shapira Itai. (2020). *On the Brink of Escalation: Multiple Challenges Demand a New Strategy*, Published by: *The Institute for National Security Studies* (INSS).
- Cordesman, Anthony. (2017). *Islam, Terrorism, Stability and Conflict in the Middle East*, Burke Chair in Strategy, Published by: *Center for Strategic and International Studies* (CSIS).
- Rachel, Bronson. (2003). *Challenges within the Muslim World*, Director of Middle East Studies Council on Foreign Relations, Published by: *Council on Foreign Relations* (CFR).

